

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی ♦ سال دهم ♦ شماره ۲۰ ♦ پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲ ♦ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۰/۰۴ ♦ صفحات: ۶۹-۸۷

## تحلیل و نقد گزاره‌های کتاب اصول مذهب شیعه در باره امام خمینی علیه السلام (بر پایه نظریه صدق و کذب در اسناد خبری)

کامیار صداقت ثمرحسینی\*

### چکیده

مقاله حاضر با استفاده از نظریه‌های مطرح زبان شناسی در علم معانی، به تحلیل «صدق و کذب» در جملات خبری در کتاب «اصول مذهب الشیعة الامامیه الاثنی عشریه عرض و نقد» تألیف ناصر بن عبدالله القفاری می‌پردازد. محدوده تحقیق، نمونه‌وار بخش نقد آرای امام خمینی در کتاب کشف الاسرار (در ذیل دو عنوان بت پرستی و نبوت) است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ناصر القفاری چگونه آراء و دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام را مطابق امیال و خوشایند خود تغییر داده و تحریف کرده است. این تغییر گاهی از باب تحریف معنا؛ گاهی از باب حذف آگاهانه عباراتی و گاهی هم حذف کامل یک بخش از کتاب کشف الاسرار (تحریف به اضافه یا نقصان) است؛ بنابراین خواننده کتاب قفاری، پیش از آن‌که با نقد آرای واقعی امام خمینی مواجه باشد، با تصویر ذهنی و غیرواقعی قفاری در پوشش نقد علمی روبه‌روست که وجاهت و اعتبار علمی کتاب مذکور را زیر سؤال می‌برد. کلیدواژه‌ها: امام خمینی، صدق و کذب، کتاب اصول مذهب شیعه امامیه اثنی عشری، ناصر القفاری، وهابیت.

---

\* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

## مقدمه

مقاله حاضر بر پایه نظریه‌های زبانشناسی درباره صدق و کذب در اسناد خبری، به سنجش آرای ناصر بن عبدالله القفاری پیرامون اندیشه‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) می‌پردازد. قفاری در بخشی از رساله دکتری خود با عنوان «بررسی و نقد اصول مذهب شیعه امامیه دوازده امامی» (دفاع در ۱۴۰۷ق) به دیدگاه‌های امام خمینی پرداخته و به مثابه دستاوردی علمی، مدّعی پیشگامی خود در اثبات «بت‌پرستی» در اندیشه ایشان شده است.<sup>۱</sup> آنچه بر اهمیت تحقیق درباره رساله مذکور می‌افزاید، قرار گرفتن آن در زمره معروف‌ترین آثار دانشگاهی وهابیان درباره مذهب امامیه و انتشار مکرر و توزیع گسترده آن در جهان اسلام است. در ابتدای آن اشاره شده است که «رساله مذکور با درجه عالی پذیرفته و چاپ و توزیع دانشگاهی آن توصیه شده است.»<sup>۲</sup> همچنین رساله مذکور به عنوان مرجع برخی از فتاوی تکفیری علیه شیعه امامیه نظیر فتاوی تکفیری ابن جبرین (م ۱۴۳۰ق) علیه شیعه امامیه کاربرد وسیعی یافت.<sup>۳</sup> در عین حالی که نباید از اقتباسات گسترده تألیفات وهابیان از رساله مذکور غافل شد. نمونه‌ای از آن، کتاب «به یاد آوردن حدیث قدس (واقده‌سأه)» از حسین العفانی مصری است که با هدف مبارزه با محور مقاومت اسلامی، به بازنشر ادعاهای قفاری درباره امام خمینی علیه السلام پرداخته است.<sup>۴</sup>

لازم به ذکر است استاد راهنمای قفاری ابتدا محمد رشاد سالم (م ۱۴۰۷ق) بود که نگارش آن رساله به پیشنهاد وی آغاز شد؛ اما او کمی پیش از جلسه دفاعیه درگذشت و رساله قفاری، می‌تواند در کنار آثار مشابه آن، به‌عنوان تک‌نگاشتی در ارزیابی و نقد رساله‌های وهابیان در دانشگاه‌های عربستان سعودی محسوب شود.

در نقد کتاب «اصول مذهب شیعه امامیه دوازده امامی» آثار متعددی توسط

۱. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۴۴.

۲. همان، ص ۲.

۳. ابن جبرین، عبدالله، اللؤلؤ المکین من فتاوی الشیخ ابن جبرین، ص ۴۶.

۴. عفانی، سیدحسین، تذکیر النفس بحدیث القدس، ج ۳، ص ۲۹۶-۳۰۲.

۵. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعة، ج ۱، ص ۲۷.

نویسندگان چندی نظیر استادان آیت‌الله ابوطالب تجلیل تبریزی (۱۴۲۹ق)، احمد عابدی، ابوالفضل اسلامی، حسینی قزوینی و دیگران نگاشته شده است.<sup>۱</sup> برخی از محققان نظیر دکتر سید جعفر شهیدی (۱۴۲۹ق) معتقدند قفاری در آثارش بیشتر در پی جدل است تا کشف حقیقت؛ و در پی تبلیغات است تا تحقیقات؛ زیرا غالباً دچار خلط میان احتمال یا آرای شخصی با معتقدات عموم شیعه شده و یا درصدد استناد به آرای نامعتبر افرادی چون احمد کسروی (۱۳۶۵ق) به‌عنوان عالمان بزرگ شیعی شده است.<sup>۲</sup> آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ جعفر سبحانی نیز در نامه‌ای خطاب به ناصر القفاری از عدم رعایت نزاکت بحث علمی (نظیر ایراد دشنام و تکفیر) و همسان‌پنداری میان وجود روایت با عقیده انتقاد کرده است؛ زیرا «عقیده یک چیز است و نقل چیزی دیگر و میان‌شان رابطه عام و خاص وجود دارد.»<sup>۳</sup> با این حال، از زاویه زبان‌شناسی، تحلیلی درباره صدق و کذب در گزاره‌های خبری آن رساله با موضوع اندیشه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام انجام نشده است.

مقاله حاضر محدود به تحلیل دو مبحث کوتاه بت‌پرستی و نبوت در رساله «بررسی و نقد اصول مذهب شیعه امامیه دوازده امامی» در اندیشه‌های امام خمینی است. از منظر علم معانی، دو پرسش مهم درباره صحت‌سنجی کلام قفاری مطرح است:

اول آن‌که، آیا نقل قول قفاری از امام خمینی مطابق با واقع؛ یعنی همان سخن امام خمینی در آثارش مانند کتاب‌های کشف الاسرار یا حکومت اسلامی است؟ (نظریه صدق بر پایه تطابق خبر با واقع)

دوم آن‌که، آیا تحلیل قفاری از کلام امام خمینی، مطابق علم یا عقیده واقعی خود او درباره امام خمینی است یا آن‌که از طریق حذف یا اضافه هدفمند در کلام امام خمینی درصدد ایجاد و القای چنین دیدگاهی است؟ (نظریه صدق بر پایه ارجاع خبر به عقیده مُخبر) یعنی از طریق دلایل و شواهدی در تطابق میان خبر با واقع می‌توان دریافت که او

۱. رک: تجلیل تبریزی، ابوطالب، تنزیه الشیعه الاثنی عشریه عن الشبهات الواهیه؛ عابدی، احمد، توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت؛ اسلامی، ابوالفضل، مع الدكتور ناصر القفاری فی اصول مذهب «حول السنه و روايتها»؛ حسینی قزوینی، سیدمحمد، نقد کتاب اصول مذهب الشیعه و... .

۲. شهیدی، سیدجعفر، از دیروز تا امروز؛ مجموعه مقاله‌ها و سفرنامه‌ها، ص ۸۴۰.

۳. سبحانی، جعفر، رسائل ومقالات، ج ۲، ص ۴۳۱.



خود بر نادرستی مطلبش واقف است.

## صدق و کذب در اسناد خبری

صحت گزاره‌های خبری اساس اولیه هر متن علمی است. این امر بیانگر اهمیت مبحث صدق و کذب در رابطه میان مُسند (= محمول، خبر، فعل) و مُسند الیه (= موضوع، مبتدأ، فاعل) بعنوان یک باب مستقل در علم معانی است.<sup>۱</sup> در علم معانی، کلام به خبر و انشاء تقسیم می‌شود. جمله خبری در قالب یکی از زمان‌های سه‌گانه، بر واقعیت خارجی دلالت دارد و ویژگی آن داشتن قابلیت تصدیق یا تکذیب است.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است که موضوع صدق و کذب علاوه بر سخن و گفتار، در کردار، اخلاق و مقامات دین نیز مطرح است.<sup>۳</sup> از این رو می‌توان آن را در ذیل اخلاق پژوهش نیز گنجانید.

سابقه طرح مسئله صدق و کذب در اسناد خبری به عصر عباسیان خصوصاً دوره حکومت مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۸ق) می‌رسد که در آثار ابوالحسن سعید بن مسعوده (م حدود ۲۱۵ق) معروف به اخفش اوسط و ابو اسحاق ابراهیم بن سَیّار بلخی بصری، مشهور به النّظام (م حوالی ۲۲۰-۲۳۰ق) مطرح و آغازگر مناقشات بسیاری از آن دوران تا روزگار حاضر شد.<sup>۴</sup> از میان نظریه‌های مختلف سه نظریه از سایر نظرات معروف‌تر است:

۱. بنا بر نظریه مشهور، اگر کلام خبری مطابق با واقعیت خارجی باشد، صدق و در غیر این صورت کذب است.<sup>۵</sup> برای مثال، اگر انتساب سخن و یا عقیده‌ای به امام خمینی دارای مابه‌ازای واقعی در آثارش باشد، اسناد خبری آن صدق؛ و در غیر اینصورت، کذب است. در نظریه مذکور فرایند تشخیص صدق و کذب خبر مبتنی بر مقایسه‌ای دو سویه است؛ از یکسو، شاهد عرضه خبر به واقعیت خارجی (خبر ← واقع) و از سوی دیگر، ناظر وارد شدن از واقعیت خارجی به خبر (واقع ← خبر) هستیم تا اعتبار اسناد خبری هم در متن اصلی و هم در بین سطور آن یعنی ناگفته‌ها (عمداً یا سهواً) آشکار شوند.

۱. تفتازانی، سعدالدین مسعود، شرح تلخیص المفتاح، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۸۳-۸۴.

۳. نراقی، احمد، جامع السعاده، ص ۵۸۱.

۴. مصطفی، محمد حسن، الخبر والإنشاء بین المفهوم المنطقی، العدد ۲، ص ۹۰.

۵. تفتازانی، سعدالدین مسعود، شرح تلخیص المفتاح، ص ۸۴ و ۸۸.

نظریه مذکور درستی و نادرستی متن را نمایان می‌کند؛ اما به عقیده و علم شخص مُخبر (گوینده یا نویسنده) و بیان سوءتشخیص یا سوءنیت او اشاره نمی‌کند. برای مثال، ممکن است مدّت‌ها پس از صدور خبر، واقعیت خارجی تغییر کند، بی‌آنکه مُخبر از آن آگاه شود و یا در آن دخالت کند؛ چراکه «دوام علم به دوام معلوم است.»<sup>۱</sup> در این حالت، وصف مُخبر از امارات، خصوصیات و قرائن خارجی حاصل می‌شود.

۲. نظریه دوم متعلق به برخی از متکلمان معتزلی نظیر نظام و پیروانش است که معتقد بودند صدق و کذب خبر مبتنی بر مطابقت آن با عقیده یا علم مُخبر (و نه واقعیت خارجی) است.<sup>۲</sup> از دید آنان، اگر مخبر مطابق علم و یا عقیده‌اش خبری دهد، آن خبر صدق و گرنه کذب است. از آنجایی که علم بر واقعیتی دلالت دارد که بی‌نیاز از وجود و یا عدم وجود شخص محقق است،<sup>۳</sup> این نظریه کاربردی فراگیر در تبیین علمی ندارد؛ با اینحال، جنبه‌های روحی و نفسانی محقق مورد توجه قرار می‌گیرد؛ برای مثال، اگر فردی معتقد باشد که شکل زمین مربع است؛ اما بگوید: «زمین کروی است.»، هرچند جمله بنا بر تطابق با واقعیت صدق است؛ اما از آنجا که مُخبر خلاف علم و عقیده‌اش سخن رانده، دچار کذب‌گویی شده است.<sup>۴</sup>

۳. نظریه سوم متعلق به جاحظ (م ۲۵۶ق) است،<sup>۵</sup> که معتقد بود صدق و کذب هم وابسته به واقع و هم به اعتقاد گوینده است و از اینرو جملات خبری شامل شش وجه می‌شوند که به نظر وی دو وجه اول آن قابلیت تصدیق یا تکذیب دارند:

جمله خبری مطابق با واقع و اعتقاد (صدق)

جمله خبری مخالف با واقع و اعتقاد (کذب)

اما چهار وضعیت دیگر، بنابر نظریه مذکور قابل تصدیق یا تکذیب نیستند که عبارتند از: مطابق با واقع اما مخالف عقیده یا علم مخبر  
مخالف با واقع اما موافق عقیده یا علم مخبر

۱. آشتیانی، احمد، مقالات احمدیه، ص ۱۲۰

۲. تفتازانی، سعدالدین مسعود، شرح تلخیص المفتاح، ص ۸۹

۳. جعفری، محمد تقی، تحقیقی در فلسفه علم، صص ۱۵-۱۶.

۴. همایی، جلال‌الدین، یادداشت‌های استاد علامه جلال‌الدین همایی درباره معانی و بیان، ص ۹۴.

۵. تفتازانی، سعدالدین مسعود، شرح تلخیص المفتاح، ص ۸۸-۹۲.



مطابق با واقع اما با شک و تردید مخبر  
مخالف با واقع اما با شک و تردید مخبر<sup>۱</sup>

### تحلیل گزاره‌های قفاری درباره بت‌پرستی و نبوت

سنجش جملات مورد نظر از کتاب ناصر القفاری را می‌توان در سه بخش به هم پیوسته انجام داد که عبارتند از: ۱. بررسی روش‌شناسی؛ ۲. نقل قول‌ها و توصیفات ۳. تعصب و میزان سوگیری.

بخش اول، بیانگر پابندی عملی او به روش‌شناسی خود است. آیا وی به روش‌شناسی خود التزام عملی دارد یا خیر؟

بخش دوم، شامل سنجش صحت نقل قول‌ها و توصیفات او از دیدگاه امام خمینی، است. آیا نقل قول‌های قفاری دارای مابه‌ازای واقعی است؟ (آزمون صدق) وضعیت نوشتار او از حیث جابه‌جایی الفاظ، تحریف (اضافه یا نقصان) یا جعل داده‌ها چگونه است؟ (آزمون کذب)

بخش سوم، به تعصب و میزان سوگیری نویسنده از خلال بررسی برچسب‌زنی یا فریب‌استنادی وی اختصاص دارد که در حوزه اخلاق پژوهش مطرح می‌شود.

### الف - روش‌شناسی

در روش‌شناسی، ناصر القفاری خود را متعهد به چند اصل کلی می‌داند که عبارتند از:

۱. تکیه به منابع اصلی شیعه امامیه و معتبر در نزدشان<sup>۲</sup>
۲. استفاده از روشی عینی یعنی امانت‌داری در نقل و عدالت‌ورزی در قضاوت و داوری<sup>۳</sup>

۳. بهره‌گیری از نگرش انتقادی؛ اگرچه او با استناد به سخنی از ابن تیمیه مدعی است در مواردی ارائه عقاید شیعیان برای ردشان کافی است.<sup>۴</sup>

قفاری به تألیفات امام خمینی مراجعه کرده است و می‌کوشد مدعای خود را بر پایه

۱. همان، ص ۹۲-۹۴؛ شهید ثانی، زین‌الدین، شرح البدایة فی علم الدراية، ص ۹.

۲. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعة، ج ۱، ص ۱۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۵.

۴. همان.

نقل قول از منابع امام خمینی اثبات کند؛ اما برخلاف روش‌شناسی خود به امانت‌داری در نقل وفادار نمانده و از اینرو، در قضاوت از عدالت خارج شده است. او در موارد متعددی به جای ارائه دلیل به روش تکرار مدعا بر اساس منابع نامعتبر و سست پناه برده است؛ بنابراین جملات خبری او خواننده را تنها متوجه این موضوع می‌کند که جز قفاری فرد دیگری نیز چنان باوری دارد، بی آن‌که دلیلی بر اثبات مدعا اقامه شود. دو نمونه از این روش عبارتند از:

#### مثال اول - استناد به مقاله یک روزنامه‌نگار فرانسوی

قفاری در سیاق نگرشی تکفیری، برای اثبات ادعای خود مبنی بر آن‌که لقب «امام» در عبارت «امام خمینی» وصفی مافوق نبوت است و امام خمینی خود را برتر از نبی می‌شمارد،<sup>۱</sup> به نوشتاری از یک روزنامه‌نگار فرانسوی بنام جان لیون فاندورن (؟) در نشریه لوموند فرانسه استناد می‌کند که گفته است: «غالب ایرانیان روح الله خمینی را نه یک آیت‌الله بلکه «امام» می‌شمارند که از القاب نادر در تاریخ شیعه است.»<sup>۲</sup> جدا از ضعف منبع مورد استناد وی، سخن مذکور مابه‌ازای واقعی ندارد. از دید شیعه امامیه، اصطلاح «امام» اگر اشاره به دوازده امام معصوم علیهم‌السلام باشد، به موجب وصایای حضرت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اصطلاحی شرعی و مختص به ایشان است<sup>۳</sup> و اگر در معنای عمومی به کار رود، اصطلاح متشرعه و پرکاربرد است؛ نظیر: امام شافعی (م ۲۰۴ق)، امام محمد عبده (م ۱۳۲۴ق)، امام محمدحسین کاشف‌الغطاء (م ۱۳۷۳ق)، امام سید عبدالحسین شرف‌الدین (م ۱۳۷۷ق)، امام شهید سید محمدباقر صدر (شهادت: ۱۴۰۰ق)، امام موسی صدر و... دو نمونه از انبوه عناوین کتاب‌های شیعیان که با اصطلاح امام در معنای متشرعه چنین است: «امام شیخ محمدتقی شیرازی حکومت اسلامی در عراق تشکیل می‌دهد»<sup>۴</sup>؛ «امام سید میرزا عبدالهادی شیرازی رحمته‌الله‌علیه: زندگی و رحلت او»<sup>۵</sup>

۱. همان، ج ۲، ص ۱۱۵۳.

۲. «قفاری به نام دکتر مرتضی کتبی (مترجم کتاب حکومت اسلامی به فرانسه) نیز اشاره کرده است که احتمالاً برگرفته از مقاله جان لیون باشد. در کتابنامه قفاری منبع دقیق مقاله جان لیون یافت نشد» همان، ج ۲، ص ۱۱۵۳.

۳. صداقت ثمرحسینی، کامیار، وصایای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره جانشین بلافصل خویش، ص ۷۹-۹۷.

۴. رک: آل‌فرعون، فریق‌المزهر، الامام‌الشیخ محمدتقی شیرازی یشکل الحكومة الاسلامیة فی العراق.

۵. رک: مکتب منابع الثقافة الاسلامیة، الامام‌السید میرزا عبدالهادی شیرازی رحمته‌الله‌علیه.



### مثال دوم - استفاده از منابع مشکوک با موضوعاتی سخیف

ناصر القفاری با استناد به کتاب موسی موسوی (م ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۷م) مدعی است امام خمینی نام خود را در صدر اذان شیعه وارد کرده است؛ یعنی ایرانیان موظف شده‌اند سه بند، «الله اکبر - الله اکبر - خمینی رهبر» را بعنوان اذان شرعی بیان کنند! در اینجا نیز جدا از ضعف منبع مورد استناد وی، محتوای نقل قول قفاری از موسی موسوی، فاقد مابه‌ازای خارجی یعنی اقامه چنین اذانی در مساجد ایران است.

سوءاستفاده از سخنان غلوآمیز فخرالدین حجازی (م ۱۳۸۶ش) در محضر امام خمینی نمونه دیگری از کاربرد این روش در نزد قفاری است.<sup>۲</sup> او با استناد به سخنان حجازی (مورخ ۴ خرداد ۱۳۵۹ش) مدعی است وی به دلیل سخنان غلوآمیزش به ریاست بنیاد مستضعفان رسید؛ اما اشاره نمی‌کند که حجازی بلافاصله پس از پایان سخنرانی اش، مورد گلایه و توبیخ شدید امام خمینی قرار گرفت. ایشان فرمود:

من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی فرمودند درباره من، باورم بیاید. من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان، برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه می‌برم از غرور. من اگر خودم برای خودم نسبت به سایر انسان‌ها یک مرتبتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می‌کنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله می‌کنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من باورم بیاید، فرمودند.<sup>۳</sup>

با توجه به توالی بلافصل سخنرانی حجازی با توبیخش توسط امام خمینی، هر یک از قفاری یا موسوی نمی‌توانند بی‌اطلاع از حقیقت باشند؛ لذا می‌توان آن را در چارچوب دخالت مخبر در تحریف خبر نیز لحاظ کرد؛ زیرا قفاری تعمداً شواهد دال بر کذب مدعایش را حذف کرده است. نکته دیگر آن‌که برخلاف مدعای قفاری، حجازی تنها نماینده مجلس شورای اسلامی بود و هیچگاه رئیس بنیاد مستضعفان نشد. از این

۱. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشيعة، ج ۲، ص ۱۳۰۷.

۲. همان، ص ۱۳۰۶.

۳. خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۳۴۳.

نظر نیز جمله خبری وی کذب است و مابه‌ازای خارجی ندارد.

### ب- نقل قول‌ها و توصیفات

یکی از ویژگی‌های رساله قفقاری ارجاع فراوان به منابع و مصادر مختلف است که در صورت رعایت امانت‌داری در نقل و عدالت‌ورزی در قضاوت، می‌توانست مبدل به نقطه قوت آن شود. با مراجعه به مصادر قفقاری در بحث بت‌پرستی نتایج زیر حاصل شد:

#### ۱. تحریفات گسترده

تحریفات قفقاری در این زمینه شامل مواردی از جابه‌جایی در الفاظ یا تحریف کلام (به نقصان یا اضافه) می‌شود. برخی از مثال‌ها عبارتند از:

##### ۱-۱. جابه‌جایی الفاظ

قفقاری در بیان تبعات شرک‌آمیز حاجت خواستن از مردگان، با تغییر عبارت «احاطه ارواح کامله»<sup>۱</sup> (یعنی اولیاء الهی) به «احاطه کامل ارواح» چنین وانمود می‌کند که امام خمینی معتقد به احاطه مطلق ارواح بر جهان، به شکلی تام و به موازات احاطه خداوند است.

نص قفقاری چنین است:

«دعواه الإحاطة الكاملة للأرواح علی هذا العالم... الأحاطة بهذا العالم لله وحده»<sup>۲</sup>

نص امام خمینی چنین است:

«به براهین قطعیه و ادله عقلیه محکمه در فلسفه اعلی ثابت و مقرر است که روح بعد از خلاصی از بدن که از آن تعبیر به موت شود، باقی است و احاطه ارواح کامله پس از موت به این عالم بیشتر و بالاتر است و فساد بر روح را فلاسفه محال می‌دانند.»<sup>۳</sup>

قفقاری با توصیف غلط و عبارت جعلی «احاطه کامل ارواح» به جهان، آن را در

۱. خمینی، سید روح‌الله، کشف الاسرار، ص ۳۰.

۲. قفقاری، ناصر، اصول مذهب الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۴۶.

۳. خمینی، سید روح‌الله، کشف الاسرار، ص ۳۰-۳۱.



تعارض با آیه شریفه «وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا»<sup>۱</sup> عنوان کرده است.<sup>۲</sup>

## ۱-۲. تحریف کلام به نقصان

قفاری با حذف مباحث قرآنی در کلام امام خمینی، وانمود می‌کند که امام خمینی برای اثبات مدعای (احاطه کامل ارواح بر جهان) تنها متکی بر کتاب‌های فلاسفه است.<sup>۳</sup> در عرف روش تحقیق، از روش مطالعاتی قفاری به «چیدن گیلان»<sup>۴</sup> تعبیر می‌شود؛ یعنی نویسنده تنها شواهد خوشایند خود را جمع‌آوری می‌کند و به دیگر شواهد موجود هرچند معتبر، بی‌اعتناست.<sup>۵</sup> با مراجعه به کتاب کشف الاسرار مشخص شد، هرچند امام خمینی به اقتضای بحث، به نظرات فلاسفه در مورد بقای روح بعد از موت اشاره دارد؛<sup>۶</sup> اما بحثی قرآنی در زنده بودن ارواح پس از موت نیز دارد<sup>۷</sup> که قفاری آن را از دید خواننده پنهان کرده است. از دیگر مباحث قرآنی کتاب کشف الاسرار، که قفاری آن را پنهان داشته است، مبحثی پیرامون غیب‌گویی پیامبران<sup>۸</sup> و یا طلب شفا از عسل است. امام خمینی با توجه به صراحت قرآن در ذکر خاصیت شفا در عسل<sup>۹</sup> تأکید دارد که مطلق طلب شفا از چیزی مانند عسل، مادامی که به یکی از مصادیق تعریف شرک در نیامده باشد، شرک نیست و طلب شفا از عسل برای اثری است که خدا در آن نهاده است و از اینرو، طلب حقیقی شفا تنها از خداست و نه از عسل.<sup>۱۰</sup> امام خمینی شفای تربت حضرت سیدالشهداء<sup>علیه‌السلام</sup> را نیز در ذیل همین حکم تبیین می‌کند و تصریح دارد که هر کس مخلوقی را به عنوان خالق و مؤثر مستقل فرض کند و با این عنوان، از او طلب شفا

۱. سوره نساء، بخشی از آیه ۱۲۶.

۲. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۴۶.

۳. همان.

4. Cherry-picking

5. Jennifer Widner, New Jersey, Michael Woolcock, Daniel Ortega Nieto, The Case for Case Studies: Methods and Applications in International Development., p184

۶. خمینی، سید روح‌الله، کشف الاسرار، ص ۳۱.

۷. همان، ص ۳۸.

۸. همان، ص ۵۰.

۹. سوره نحل، آیه ۷۱.

۱۰. خمینی، سید روح‌الله، کشف الاسرار، ص ۴۱.

کند، اگر مشرک نباشد، دیوانه و مجنون است.<sup>۱</sup> قفاری با حذف بخش‌های گسترده‌ای از مابه‌ازای خارجی جملات خبری‌اش، دچار کذب‌گویی (تحریف به نقصان) شده است.

### ۱-۳. تحریف به اضافه

قفاری با طرح ناقص اسفار اربعه از کتاب مصباح الهدایة، و تأکید بر آن‌که شیعیان مقام امامت را برتر از نبوت می‌دانند، وانمود کرده است که امام خمینی نبوت را برای هر کس از طریق ریاضت به شیوه مرتاضین قدیم ممکن می‌داند.<sup>۲</sup> هر چند عدم تخصص قفاری در مباحث عرفان نظری چالشی جدی برای او بوده است؛ اما با مراجعه به متن کتاب مصباح الهدایه مشخص شد قفاری پاره‌ای از عبارات کلیدی امام خمینی را خصوصاً تصریح ایشان بر ختم نبوت با حضرت رسول الله ﷺ از متن خود حذف کرده است.<sup>۳</sup> بنابراین، گزارش قفاری از اندیشه‌های امام خمینی را نمی‌توان به صدق گفتار توصیف کرد. او تنها با چنین رویکرد کذب و ناصوابی توانسته است با استناد به سخنی از قاضی عیاض (م ۵۴۴ق) امام خمینی را بعنوان یکی از مدعیان نبوت تکفیر کند.<sup>۴</sup>

### ۲. تحمیل نگرشی یکسویه و جانبدارانه

قفاری هرچند اذعان دارد امام خمینی طلب حاجت از غیر خدا را به عنوان «اله و رب» شرک می‌داند؛<sup>۵</sup> با این حال با حذف مباحث قرآنی امام خمینی، به برخی آیات قرآن استناد کرده تا سخن امام خمینی را درباره دعا و طلب شفا از مخلوقات (جاندار یا بی‌جان) مصداق سخن مشرکان بپندارد که مخلوقات را به عنوان میانجی با خدا می‌پرستیدند؛<sup>۶</sup> مانند:

﴿أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾<sup>۷</sup>

۱. همان، ص ۴۰-۴۱.

۲. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشيعة، ج ۲، ص ۱۱۵۲.

۳. خمینی، سید روح‌الله، مصباح الهدایة الى الخلافة والولاية، ص ۱۶۳.

۴. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشيعة، ج ۲، ص ۱۱۵۲-۱۱۵۳.

۵. همان، ج ۲، ص ۱۲۹۶.

۶. همان، ج ۲، ص ۱۲۹۶-۱۲۹۸.

۷. سوره زمر، آیه ۳.

آگاه باشید که دین خالص از آن خداست، و آن‌ها که غیر خدا را اولیای خود قرار دادند و دلیلشان این بود که: «اینها را نمی‌پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند»، خداوند روز قیامت میان آنان در آنچه اختلاف داشتند داوری می‌کند؛ خداوند آن کسی را که دروغگو و کفران‌کننده است، هرگز هدایت نمی‌کند!

﴿وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْصُرُهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شُفَعَاؤُنَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْتَبِهُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾<sup>۱</sup>

آن‌ها غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند، و نه سودی می‌بخشد؛ و می‌گویند: «اینها شفیعان ما نزد خدا هستند!» بگو: «آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟!» منزه است او، و برتر است از آن همتایانی که قرار می‌دهند!

این در حالی است که امام خمینی در مبحث توحید، به چند دسته از آیات قرآن درباره مشرکان اشاره دارد که عبارتند از:

۱. آیات در رد دهریون؛
۲. آیات در رد قائلان به دو خدا و یا بیشتر؛
۳. آیات در رد ستاره پرستان؛
۴. آیات در رد بت پرستان و ذکر برخی اسامی بت‌ها در قرآن؛
۵. آیات درباره نصاری و موضوع تثلیث.<sup>۲</sup>

امام خمینی صراحتاً با پیش‌بینی اتخاذ چنین شیوه‌ای از سوی اشخاصی چون

قفاری، در معنای آیه سوم سوره زمر می‌نویسد:

«ماجراجویان بی‌خرد، یا ندانسته و از روی جهالت و یا دانسته و از روی عوام‌فریبی، یکی از آیات قرآن را سر و ته افکنده به رخ دینداران می‌کشند و از روی آن می‌خواهند دروغ‌پردازی خود را رفو کنند. اینک ما خود آیه را با جلو و دنبالش می‌آوریم تا مشت خیانتکار خوب باز شود و روشن شود که این آیه [الزمر: ۳] نیز همان دنباله ابطال آراء بت پرستان و نصاری است.»<sup>۳</sup>

۱. سوره یونس، آیه ۱۸.

۲. خمینی، سید روح‌الله، کشف الاسرار، ص ۱۸-۲۲.

۳. همان، ص ۲۱-۲۲.

### ۳. خارج کردن کلام از سیاق اصلی

در کتاب‌های فقهی شیعه مانند تحریر الوسیله امام خمینی، در باب نکاح (و سفر)، عقد در هنگامه قمر در برج عقرب و یا در هنگام مُحاق (اواخر ماه قمری) و یا در یکی از روزهای نحس هر ماه یعنی سوم، پنجم، سیزدهم، شانزدهم، بیست و یکم، بیست و چهارم و بیست و پنجم ماه‌های قمری، مکروه شمرده شده است.<sup>۱</sup> قفاری فرع فقهی مذکور را به درستی از تحریر الوسیله نقل کرده است؛ اما آن را نه در سیاق مستندات فقیهان امامیه؛ بلکه در سیاق مدعای وهابیان یعنی ستاره‌پرستی شیعیان قرار داده است! او بلافاصله پس از نقل مسئله مذکور، خواننده را به کتاب تحفه اثنی عشری تألیف عبدالعزیز محدث دهلوی (م ۱۲۳۹ق) ارجاع داده است که می‌پنداشت شیعه امامیه دنباله صابئین یعنی ستاره‌پرستان هستند و شیعیان ستارگان را فاعل مختار می‌دانند!<sup>۲</sup> البته از دیرباز، چنین اوهامی درباره ایرانیان در میان وهابیان نجدی رایج بوده است؛ چنان‌که عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن آل الشیخ (م ۱۲۹۳ق) شخصیت‌هایی همچون فارابی (م ۳۳۹ق) یا ابن سینا (م ۴۲۸ق) را ستاره‌پرست و از مبلغان دین صابئی می‌دانست.<sup>۳</sup> و همو در جایی دیگر، با انتساب پرستش قبور به شیعیان، علاوه بر ایرانیان، مسلمانان مصر و شام را نیز مشرک پنداشته بود.<sup>۴</sup> قفاری با تکیه بر سخن دهلوی تنها مدعای خود را تکرار کرده است.

در اینجا دو موضوع شایسته توجه است. اول آن‌که به امر و اذن الهی، برخی اوقات و زمان‌ها بر برخی دیگر برتری دارند. برای مثال، قرآن از شب مبارک یاد می‌کند که در آن نازل شد.<sup>۵</sup> ماه‌هایی نیز به ماه‌های حرام موسوم شده و احکام خاص خود را یافته‌اند.<sup>۶</sup> اعیاد اسلامی مانند عید قربان، اوقات سحرگاهان،<sup>۷</sup> سحرگاه روز پنجشنبه و شنبه<sup>۸</sup> از

۱. خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۵.

۲. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۰۰-۱۳۰۱.

۳. آل‌الشیخ، عبد اللطیف، البراهین الاسلامیة، ص ۶۸.

۴. آل‌الشیخ، عبد اللطیف، منهاج التأسیس والتقدیس، ج ۱، ص ۷۱.

۵. سوره دخان، آیه ۳.

۶. سوره توبه، آیه ۳۶.

۷. بابا عمی، محمد، مفهوم الزمن فی القرآن الکریم، ص ۲۷۹.

۸. ابن بابویه، محمد، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۵.



زمان‌های ممتاز در شریعت اسلام‌اند. همچنین، دعا و عبادت در برخی زمان‌ها بر برخی دیگر برتری دارد. مفسران درباره اینکه حضرت یعقوب دعا برای بخشش فرزندان خود را به تأخیر انداخت<sup>۱</sup> و جوه تفسیری مختلفی را مطرح کرده‌اند که یکی از آن‌ها اجابت بیشتر دعا در سحرگاه و سحرگاهان شب جمعه است<sup>۲</sup>؛ و از اوصاف متقین استغفار در سحرگاهان یاد شده است.<sup>۳</sup> از این قبیل موارد بسیار است. مسئله فقهی مذکور را باید در چارچوب کلی نگاه شرعیت به زمان و اوقات مورد توجه قرار داد.

دوم آن که مستند فقه امامیه درباره کراهت عقد در ایام فوق‌الذکر بر پایه منابع روایی مذهب امامیه و نه دین صابئی است.<sup>۴</sup> قفاری سیاق مسئله را به دلخواه خود تغییر داده است تا حکم تکفیری اش را صادر کند. تشابه ظاهری دو عقیده یا دیدگاه نیز به معنای هم‌ریشه بودن آن‌ها نیست. اگر دین اسلام معجزات حضرت موسی علیه السلام را می‌پذیرد، نه به دلیل تعالیم کنونی خاخام‌های یهود، بلکه به واسطه مآخذ شرعی دین اسلام از قرآن و سنت است.<sup>۵</sup>

### ۳. تعصب و میزان سوگیری

اگر جابه‌جایی الفاظ و حذف هدفمند در نوشته قفاری صورت نمی‌گرفت، او امکان استفاده از برجسب‌های الحاد و غلو در توصیف اندیشه‌های امام خمینی را نمی‌یافت؛ تا مثلاً با توسل به عبارت جعلی «احاطه کامل ارواح (مردگان) بر جهان» بنویسد:

«... ابراز چنین سخنانی از او جای تعجب ندارد؛ زیرا که مجمعی از الحاد

فلاسفه و غلورافضیان در او جمع است، بلکه انتظار بدتر از این سخنان نیز

از او می‌رود.»<sup>۶</sup>

او با استناد به کتاب حکومت اسلامی مدعی است امام خمینی حاکمان اهل سنت را مشرک نامیده است.<sup>۷</sup> این در حالی است که با رجوع به منبع قفاری مشخص شد امام

۱. سوره یوسف، آیه ۹۸.

۲. رشید رضا، محمد، تفسیر سوره یوسف، ص ۱۴۲.

۳. سوره آل عمران، آیه ۱۷.

۴. کلینی، محمد، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۷۵؛ ابن بابویه، محمد، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۶۷، ج ۳، ص ۳۹۴؛ طوسی، محمد، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۰۷ و ۴۶۱، ج ۲۱، ص ۳۸۴، ج ۲۶، ص ۵۲۲.

۵. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی علوم القرآن، ص ۵۰۸-۵۰۹.

۶. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۴۶.

۷. همان، ج ۲، ص ۱۱۴۷-۱۱۴۸.

خمینی از دست نشانندگی برخی کشورهای اسلامی در قبال اسرائیل و ایالات متحده آمریکا انتقاد کرده است و نه تنها در آن بحث شیعه و اهل سنت مطرح نیست؛ بلکه دولت مخلوع پهلوی نیز در صدر همان انتقاد است. متن عبارت امام خمینی چنین است:

اگر حکومت کنندگان کشورهای اسلامی نماینده مردم با ایمان و مجری احکام اسلام می‌بودند، اختلافات جزئی را کنار می‌گذاشتند، دست از خرابکاری و تفرقه‌اندازی برمی‌داشتند، و متحد می‌شدند و ید واحد می‌بودند، در آن صورت مشتی یهودی بدبخت، که عمال آمریکا و انگلیس و اجانب‌اند، نمی‌توانستند این کارها را بکنند، هر چند آمریکا و انگلیس پشتیبان آن‌ها باشند. این از بی‌عرضگی کسانی است که بر مردم مسلمان حکومت می‌کنند.<sup>۱</sup>

قطبی‌سازی و ایجاد تفرقه از تبعات چنین روشی است که با هدف ترساندن مسلمانان از نظریه ولایت فقیه<sup>۲</sup> و جهی از شیعه‌هراسی نوین وهابیان را نمایان می‌کند که نمونه‌های گسترده آن در رساله دکتری ناصر القفاری مشهود است.

### نتیجه‌گیری

یکی از راه‌های سنجش تحقیقات علمی بررسی صدق و کذب گزاره‌های خبری مندرج در آن‌هاست. تحلیل خوب برخاسته از توصیفات دقیق است. از طریق سنجش میزان مطابقت خبر با واقع و یا علم نویسنده، می‌توان اعتبار تحقیقات را مشخص کرد. هرچند کتاب «بررسی و نقد اصول مذهب شیعه امامیه دوازده امامی» تألیف ناصر القفاری با نمایش ارجاعات گسترده کمی، ظاهری علمی به خود گرفته است و در وهله اول اعتماد خواننده بی‌اطلاع را به وسعت تتبع نویسنده در منابع مرجع جلب می‌کند؛ اما زمانی که تحقیق مذکور در آزمون عرضه خبر به واقع قرار گیرد، موارد گسترده‌ای از کذب‌گویی و دروغ خاموش هویدا می‌شوند. بررسی روابط مقابل میان خبر و واقعیت خارجی (واقع ← خبر) تفاوت و فاصله بسیار میان جهان ذهنی ناصر القفاری را با جهان واقعی نمایان می‌کند.

۱. خمینی، سید روح‌الله، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، ص ۳۴.

۲. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعه، ج ۲، ص ۱۱۴۷-۱۱۴۸.



پایه اصلی اشتباهات و ایرادات وارده بر آثار قفاری ناشی از عدم پابندی او به روش‌شناسی مورد ادعایش است. او در بسیاری از موارد، التزامی به رعایت امانت در نقل قول ندارد. او گاه مطالب خوشایند خود را به صورت کامل نقل می‌کند؛ گاهی عباراتی از آن‌ها را جابه‌جا می‌کند؛ و گاهی نیز چیزی بر واقع می‌افزاید و یا از آن می‌کاهد. از اینرو، آنچه قفاری درباره شیعه یا اندیشه‌های امام خمینی ابراز کرده است، تنها نمایش ذهنی او از شیعه و یا اندیشه‌های امام خمینی است که ربطی با واقعیت ندارد. زمانی که توصیف یک تحقیق شکننده و ضعیف باشد، پر واضح است که تحلیل‌های برآمده از آن نیز سست و بی‌اعتبار خواهند شد؛ اما در اینجا مسئله اصلی تنها بیان نادرستی آرای وی نیست؛ بلکه خطر بزرگ کتاب قفاری و امثال او در آنجاست که با ارائه اطلاعات غلط و مغشوش، درصدد تکفیر شرعی مسلمانان ناهمسو با وهابیت همانند شیعه‌اند. منابع مذکور با عناوین پرطمطراقی از قبیل دکتر، استاد، رساله‌دانشگاهی، روش علمی و... صورتی علمی یافته‌اند؛ اما در باطن بر پایه کذب‌اند؛ موضوعی که متذکر اهمیت تحقیقات دانشمندان علم معانی در تعیین ملاک برای شناسایی صدق کلام خبری می‌شود.



## فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن جبرین، عبدالله، اللؤلؤ المکین من فتاوی الشیخ ابن جبرین، (السؤال ۴۳) دفع زکاة أموال أهل السنة لفقراء الرافضة، فی موقع الرسمى للشیخ الجبرین، <https://www.ibn-jebreen.com>
۴. اسلامی، ابوالفضل، مع الدكتور ناصر القفاری فی اصول مذهبه «حول السنه و رواتها»، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۲۳ق.
۵. آشتیانی، احمد. مقالات احمدیه، تهران: چاپخانه آفتاب، ۱۳۱۶ش.
۶. آل الشیخ، عبد اللطیف بن عبد الرحمن بن حسن، البراهین الاسلامیه فی الرد علی الشبهات الفارسیه، تحقیق و تعلیق: محمد العارف بن عثمان الهرری الأرومی، ریاض: مكتبة الهدایه، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۷. آل الشیخ، عبد اللطیف بن عبد الرحمن بن حسن، منهاج التأسیس والتقدیس فی كشف شبهات داود بن جرجیس، ریاض: دار الهدایه، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق.
۸. آل فرعون، فریق المزهري، الامام الشیخ محمدتقی الشیرازی یشكل الحكومة الاسلامیه فی-العراق، قم: مكتبة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۴ق.
۹. بابا عمی، محمد بن موسی، مفهوم الزمن فی القرآن الکریم، بیروت: دار الغرب الاسلامی، ۲۰۰۰م.
۱۰. تجلیل تبریزی، ابوطالب، تنزیه الشیعة الاثنی عشریه عن الشبهات الواهیة، قم: المجمع العالمی لاهل البيت (ع)، المعاونیه الثقافیه، ۱۴۳۳ق.
۱۱. تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، شرح تلخیص المفتاح (المطول)، (حقیقه و خرج ما فیہ وعلق علیه و صنع فهارسه) ضیاءالدین عبدالغنی القالش، اسطنبول: دارالباب للدراسات و تحقیق التراث، ۱۴۴۳ق.
۱۲. جعفری، محمد تقی، تحقیقی در فلسفه علم، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۱۳. حسینی قزوینی، سیدمحمد، نقد کتاب اصول مذهب الشیعة لمؤلفه الدكتور السلفی ناصر القفاری، قم: مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (ع)، ۱۴۳۰ق.
۱۴. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.



۱۵. خمینی، سید روح‌الله، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیستم، ۱۳۸۸ش.
۱۶. خمینی، سید روح‌الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش.
۱۷. خمینی، سید روح‌الله، کشف الاسرار، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۸. خمینی، سید روح‌الله، مصباح الهدایة إلى الخلافة والولاية، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
۱۹. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالتقلین، ۱۴۱۸ق.
۲۰. رشید رضا، محمد. تفسیر سورة یوسف، قاهرة: دار النشر للجامعات، ۲۰۰۷م.
۲۱. سبحانی، جعفر، رسائل ومقالات، قم: الجامعة الإسلامية. ۱۴۲۱ق.
۲۲. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، شرح البدایة فی علم الدرایة، قم: منشورات الفیروزآبادی، ۱۳۹۰ش.
۲۳. شهیدی، سید جعفر، از دیروز تا امروز؛ مجموعه مقاله‌ها و سفرنامه‌ها، تهران: نشر قطره، ۱۳۷۲ش.
۲۴. صداقت ثمرحسینی، کامیار، وصایای پیامبر اکرم ﷺ درباره جانشین بلا فصل خویش و نقد نظریه انکار وصایت، پژوهش نامه علوی، ۵ (۲) ۱۳۹۳ش.
۲۵. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۶. عابدی، احمد، توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت: بررسی - و نقد افتراءات دکتر قفاری بر مذهب شیعه، تهران: مشعر، ۱۳۹۰ش.
۲۷. عفانی، سیدحسین، تذکیر النفس بحديث القدس (واقداسه)، مصر: مكتبة معاذ بن جبل، ۱۴۲۱ق.
۲۸. قفاری، ناصر بن عبدالله، اصول مذهب الشيعة الامامية الاثني عشرية عرض و نقد (الاصول: رسالة دكتوراه - جامعة الامام محمد بن سعود الاسلامية)، بی‌جا: بی‌نا، ۱۴۱۵ق.
۲۹. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق: علی اکبر قفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۳۰. مصطفی، محمد حسن، الخبر والانشاء بين المفهوم المنطقي والدلالة اللغوية، بی‌جا: مجله ابحاث كلية التربية الاساسية، ۲۰۰۷م.
۳۱. مکتب منابع الثقافة الاسلامية، الامام السيد ميرزا عبدالهادی الشيرازي: حياته و وفاته، نجف: مطبعة الغری الحديثة، ۱۳۸۲ق.
۳۲. نراقی، احمد، جامع السعاده، قم: مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۱ش.
۳۳. همایی، جلال‌الدین، یادداشت‌های استاد علامه جلال‌الدین همایی درباره معانی و بیان،

به کوشش: ماهدخت بانو همایی، تهران: مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۰ ش.

34. Jennifer Widner, New Jersey, Michael Woolcock, Daniel Ortega Nieto, **The Case for Case Studies: Methods and Applications in International Development**. United Kingdom, Cambridge University Press, 2022.

